

نگاه دختر کوچکم مهشید سرگرد علی مصباحی‌فرد*

● هیچ‌وقت اون قضیه تلخ از ذهنم پاک نمی‌شه اون روز دیرتر از همیشه کارم تو اداره تموم شد و تو مسیر برگشتن به خونه چندکیلوپسی میوه و یه عروسک کوچیک برای دخترم مهشید که حالا تازه پنج‌ساله شده و تنها بچه و ثمره زندگی ۱۰ساله من و همسرم بود، خریدم و با کلی ذوق‌وشوق به سمت منزل به راه افتادم. مثل همیشه با کلی معطلی و چند نوبت ایستگاه عوض‌کردن به خونه رسیدم؛ قند تو دلم آب شده بود برای دیدن دخترم مهشید، از اونجایی که دستم بند بود با شوق فراوان چندباری زنگ خونه رو زدم و کسی در خونه رو باز نکرد، وقتی خبری نشد و کسی جواب نداد با کلید در رو باز کردم و وارد خونه شدم؛ برخلاف روزهای دیکه که خونه پر از سروصدای مهشید می‌شد اون روز خونه سوت‌وکور بود و خبری از مهشید و خانومم نبود؛ احساس خوبی نداشتم و دلشوره عجیبی پیدا کرد بودم و فکر مهشید یک لحظه هم از ذهنم پاک نمی‌شد. فکر کار نمی‌کرد و همه‌چور فکرای عجیب‌وغریب به مغزم خطور می‌کرد؛ دور خودم می‌چرخیدم و نمی‌دونستم باید چه‌کار کنم؛ آخر هیچ‌وقت بدون اطلاع و هماهنگی من جایی نمی‌رفتمند یا دستیابچگی به گوش‌ی خانومم زنگ زدم؛ چندباری جواب نداد و بالاخره بعد از چند بار زنگ‌زدن به محض جواب‌دادن با حق‌هق گریه‌هاش متوجه وخامت اوضاع شدم و شستم خبردار شد که دلشوره‌هام بی‌دلیل نبوده و از بین حق‌هق‌هاش متوجه شدم مهشید رو به بیمارستان منتقل کرده‌اند.

هر جوری بود خودمو به بیمارستان رسوندم و پیگیر مداوای مهشید شدم. دکترا می‌گفتند خیلی استرس وارد شده و باید خیلی ازش مراقبت کنیم تا دچار استرس و نگرانی نشه، مداوای مهشید خیلی طول نکشید و چند ساعت بعد ترخیص شد و به خونه برگشتیم. بعدها متوجه شدم که اون روز خونه ساعت سه‌بعدازظهر زنگ خونه زده می‌شه و مهشید به خیال اینکه من پشت درم؛ فوراً در خونه رو باز می‌کنه و بدوبدو به سمت در حیاط می‌ره و بعد از چنددقیقه‌ای مادرش با صدای جیغ مهشید خودش به او می‌رسونه و متوجه از‌حال‌رفتن مهشید می‌شه و بعد اونو به بیمارستان می‌رسونه. با بررسی تصاویر دوربین مداربسته مشخص شد اون روز به نر که ظاهری موجه و معمولی داشت زنگ خونه ما رو می‌زنه و منتظر می‌مونه که بعد از چند ثانیه مهشید به خیال اینکه به استقبال باباش میره در رو باز می‌کنه و با اون شیدار روبه‌رو می‌شه و اون شاید هم به محض دیدن مهشید و خلوت‌بودن کوچه دهن مهشید رو می‌گیره و کوشواره‌ها و گردنبنده طلاهاش رو به‌زور باز می‌کنه و اونو به داخل حیاط هل می‌ده و در خونه رو می‌بنده و فرار می‌کنه.

با تصاویر ثبت‌شده‌اون فرد شاید خیلی زود دستگیر و روانه زندان شد؛ اما مشکل ما حل نشد که نشد چراکه مهشید بعد اون ماجرای تلخ، دچار نوعی پریشانی شد جوری که بی‌دلیل و ناخواسته از خیلی چیزهای ترسه و خیلی منزوی و افسرده شده. ای کاش اون روز مادر مهشید بیشتر مواظب بود، ای کاش مهشید اون روز دم در نمی‌رفت، ای کاش اون روز به خونه زنگ می‌زد و می‌گفتم که دیرتر می‌رسم. ای کاش که به مهشید یاد داده بودم که بی‌هوا و بدون پرسیدن در خونه رو برای کسی باز نکنه. ای کاش آیفون تصویری نصب کرده بودم، ای کاش و هزاران ای کاش دیگه.

توصیه‌کارشناس:

رهاکردن کودکان در معابر و اماکن عمومی بدون نظارت، آویختن زیورات به آنها، قرار دادن اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت و موبایل در اختیار آنها، عدم آموزش کودکان برای مراقبت از خود و پرهیز از صحبت و همراهی با افراد غریبه و بازکردن در خانه بر روی افراد ناشناس همگی می‌توانند عوامل ایجاد خطر و اتفاق‌های ناگوار و ناخوشایند برای کودکان ما باشد. مواظب باشیم و اصول اولیه و لازم را به کودکانمان بیاموزیم.

✽**کارشناس آموزش همگانی معاونت اجتماعی فاتب**

حادثه عامل ۳۶‌قره سرفت وسایل داخل خودرو دستگیر شد

● **پلیس:** فرمانده انتظامی گرگان از دستگیری سارقی که با همکاری یکی از همدستان خود به وسایل داخل ۳۶ خودرو دستبرد زده بود، خبر داد. سرهنگ «رضا عسکری» در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس گفت: مأموران پلیس آگاهی گرگان موفق شدند حین گشت‌زنی در سطح شهر، یکی از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار را که اقدام به سرقت وسایل داخل خودرو می‌کرد، شناسایی و دستگیر کنند. وی افزود: در تحقیقات تخصصی انجام‌شده، متهم به ۳۶ قفره سرقت داخل خودرو با همکاری یکی از همدستانشان اعتراف کرد. سرهنگ عسکری افزود: با اعترافات متهم و تحقیقات به‌عمل‌آمده، مهدست این سارق سابقه‌دار شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد. تحقیقات از متهم پیرامون کشف دیگر سرقت‌های احتمالی، ادامه دارد.

شرق: انفجار در یکی از کوره‌های ذوب‌آهن کارخانه فولاد بویراحمد باعث زخمی شدن ۹ کارگر شد که حال چند نفر از آنها وخیم اعلام شده است. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲:۳۰ صبح دیروز صدای انفجار مهیبی در بخشی از کارخانه فولاد بویراحمد، واقع در روستای فیروزآباد یاسوج شنیده شد و بلافاصله کارگران به محل کوره‌ای رفته که صدای این انفجار از آنجا شنیده می‌شد. آتش مهیبی که از کوره بیرون می‌آمد خبر از حادثه‌ای تلخ می‌داد. کارگران که می‌دانستند چندنفر از همکارانشان در مقابل کوره مشغول به کار هستند، بلافاصله با اورژانس تماس گرفته و کوره را خاموش کردند. به چند ثانیه نکشید که ۹ کارگر که در



محل کوره مستقر بودند سوختند و شش نفر از آنها که درست در مقابل کوره بودند هیچ قسمتی از بدنشان سالم نبود. با انتقال آسیب‌دیدگان به بیمارستان، به دلیل وخامت حال بعضی از آنها به بیمارستانی در شیراز منتقل شدند. «پژمان نیک‌اقبالی»، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کهگیلویه‌وبوییراحمد، در این زمینه گفت: در حدود ساعت ۲:۲۵ بامداد روز دوشنبه، یکم خرداد انفجاری در کارخانه فولاد بویراحمد رخ داد. وی افزود: بلافاصله نیروهای امدادی و درمانی از جمله اورژانس، آتش‌نشانی و هلال‌احمر در محل حضور یافتند که ۹ نفر از کارگران دچار سوختگی و جراحات شدند. نیک‌اقبالی افزود: بلافاصله مصدومان حادثه به

بیمارستان شهید بهشتی یاسوج اعزام شدند که از این تعداد سه نفر به‌صورت سرپایی مداوا و شش نفر دیگر دچار سوختگی شدید شده بودند. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کهگیلویه‌وبویراحمد خاطرنشان کرد: با هماهنگی با مراکز درمانی استان‌های فارس و اصفهان، سه نفر به اصفهان و سه نفر به شیراز اعزام شدند. نیک‌اقبالی تصریح کرد: پنج نفر از این شش نفر به وسیله آمبولانس و یک نفر از طریق اورژانس هوایی به این شهرها انتقال یافتند. وی ادامه داد: وضعیت سه نفر از مصدومان این حادثه که در ساج سوختگی شدید شدند، وخیم گزارش شده است. این در حالی است که پیگیری‌های خبرنگار «شرق» از کارخانه نشان داد،



جزئیات در گیری مسلحانه مأموران با سارقان در پایتخت

در شرایطی که تحقیقات پلیسی برای کشف پرونده سرقت مسلحانه طلافروشی منطقه دولت‌آباد در دستور کار کارآگاهان اداره یکم قرار داشت، سرقت مسلحانه مشابهی این‌بار در منطقه باقرشهر به اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام شد.

بنا بر اظهارات صاحب طلافروشی... واقع در منطقه باقرشهر – خیابان مصطفی خمینی، سارقان مسلح اقدام به سرقت دو کیلوگرم طلا و جواهرات از مغازه‌اش کرده و از محل متواری شده بودند. صاحب طلافروشی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «ساعت ۱۳:۳۰ مشغول نشان‌دادن سرویس طلا به سه خانم بودم که سه مرد با صورت پوشیده وارد طلافروشی شدند. دو نفرشان اسلحه [کمری] در دست داشتند و انقلاب شهرری، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

کارآگاهان با حضور در بیمارستان شهدای هفتم‌تیر به تحقیق از صاحب مغازه طلافروشی پرداختند. مال‌باخته در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «ساعت ۱۵:۱۵ داخل مغازه بودم که ناگهان دو نفر با صورت پوشیده داخل مغازه شدند و درادامه نفر سوم نیز به آنها اضافه شد. نفر سوم، اسلحه [کمری]‌اش را به سمت من گرفت و من را تهدید کرد؛ در همین زمان، نفر اول اسلحه‌اش را به سمت من گرفت؛ می‌خواستم اسلحه یکی از آنها را بگیرم که به من شلیک کردند و گلوله به پای راستم اصابت کرد. آنها با ضربات لگد من را به زمین انداختند و درحالی‌که یک نفرشان بالای سر من ایستاده بود، دو نفر دیگر شروع به جمع‌کردن طلاهای داخل مغازه کردند. طلاها را داخل یک گونی ریخته و از مغازه خارج شدند. طبق اظهارات اهالی و کسبه محل، سارقان با دو [دستگاه] موتورسیکلت [طرح] هوندا ۱۲۵ از محل متواری شدند».

وکیل قلابی، شوهر موکلش را ربود

از وکیل دادگستری معرفی کرده بود، آشنا شد و چون می‌دانست من در حال جانشدن از نادر، همسرم، هستم، او را به من معرفی کرد. او در زمینه حقوقی به من مشاوره داد و از من هشت میلیون تومان گرفت تا وکیلم باشم. بعد از آن هنگامی که همسر سابقم مهریه من را نداد، پیشنهاد داد با دو مأمور او بازراشت کنیم تا همسر سابقم مجبور شود مهریه را پرداخت کند؛ موافقت کردم و حکم جلب نادر را گرفتم. افشین روز حادثه با من تماس گرفت و گفت با حکم جلب به کلانتری مراجعه کنم. هنگامی که به کلانتری رفتم، افشین، همسرم را به مأموران تحویل داد و محل را ترک کرد. من نمی‌دانستم که آنها مأمور واقعی نیستند و فقط شوهرم را تا مقابل در کلانتری آورده‌اند. مریم ادامه داد: افشین خود را به ما وکیل معرفی کرده بود و با اطلاعاتی که در این زمینه داشت، هرگز فکر نمی‌کردم دروغ گفته باشد.

درحال حاضر به دلیل وضعیت بحرانی ایجادشده فعلا به دستور مدیریت کارخانه تعطیل است و هیچ کارگری در آنجا حضور ندارد. یکی از کارگران این کارخانه گفت: هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده، اما اینکه کوره منفرج شود چیز عجیبی در شغل ما نیست و گاه آتش به بیرون پرت می‌شود و همیشه سوختگی ما را تهدید می‌کند، اما شدت انفجار بسیار زیاد بود و باید دید چرا این اتفاق افتاده است. کارگرانی که سوخته‌اند شیف شب بودند و این کارخانه به چند شیفت کار می‌کند. آنها ۱۲ شب به بعد باید در مقابل کوره کار می‌کردند که ساعت ۲:۳۰ این اتفاق افتاده است. وی گفت: فعلا مدیران کارخانه نیز در محل حاضر نشده‌اند و همگی پیگیر وضعیت مصدومان هستند.



شناسایی صاحب خودرو به نام محسن (متولد ۱۳۶۴) کردند. با مراجعه به محل سکونت محسن در منطقه قوچ‌حصار، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که وی از زمان وقوع اولین سرقت مسلحانه دیگر به محل سکونت و اعضای خانواده‌اش مراجعه نداشتند و درحال‌حاضر بلامکان است.

اقدامات پلیسی برای شناسایی دیگر اعضای گروه سارقان مسلح در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت تا نهایتاً چهار عضو دیگر گروه سارقان مسلح به نام‌های «مهدی» (متولد ۱۳۷۰)، «عباس» (متولد ۱۳۶۳)، «ساسان» (متولد ۱۳۶۲) و «کامران» (متولد ۱۳۷۰) نیز شناسایی شدند. با شناسایی چهار عضو دیگر گروه سارقان مسلح، کارآگاهان اداره یکم با انجام تحقیقات از محل سکونت آنها در مناطق کهریزک و فدائیان اسلام، اطمینان پیدا کردند که آنها نیز مانند سرکرده گروهشان مراجعتی به محل‌های سکونت خود نداشتند و به احتمال بسیار زیادی هر پنج عضو این گروه سارقان مسلح با یکدیگر هستند. تا اینکه در آخرین روز اردیبهشت‌ماه و با انجام اقدامات پیچیده پلیسی، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی اقدام به شناسایی محل تردد این گروه از سارقان مسلح تحت تعقیب در محدوده دولت‌آباد کرد؛ بلافاصله تیم‌های عملیاتی این اداره به این منطقه دولت‌آباد اعزام شدند و به صورت محسوس این منطقه را تحت کنترل قرار دادند. در ساعت ۱۴ کارآگاهان اداره یکم با شناسایی خودروی سواری متعلق به سارقان مسلح، اقدام به

اجرای عملیات دستگیری کردند. سارقان با وجود توقف خودرو و در شرایطی که کارآگاهان با شلیک چندین تیر هوایی به آنها دستور ایست داده بودند، تلاش کردند تا همچنان به صورت پیاده از محل متواری شوند که نهایتاً با توجه به دستور کار کارآگاهان این اداره قرار گرفته است.

به‌این‌ترتیب با توجه به گفته‌های شاکي و سایر مدارک موجود در پرونده، کفرخواستی علیه افشین صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. پس از قرائت کفرخواست، شاکي در جایگاه ایستاد و بار دیگر شایکت خود را مطرح کرد. سپس افشین در مقابل قضات ایستاد و گفت: من وکیل نیستم و هرگز خود را وکیل معرفی نکرده‌ام، او به پاسخ به این سؤال که چرا هشت میلیون تومان از مریم گرفته‌ای، گفت: مدتی پیش هشت میلیون تومان به مریم داده بودم و آنها آن را به من پس دادند. بعد از آن مریم در جایگاه ایستاد و گفت: افشین دروغ می‌گوید، او از روز اول خود را به ما وکیل دادگستری معرفی کرد، برای همین هم از من هشت میلیون تومان پول گرفت. با پایان گفته‌های متهم و شاکي، وکیل متهم در جایگاه حاضر شد؛ او دفاعاتی خود را تا متهم انجام داد و سپس ختم جلسه از سوی رئیس دادگاه اعلام شد. با پایان جلسه رسیدگی قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

مدرسه، مورد حمله سه تمساح قرار گرفت. «جاناتان مته تئوا» (Jonathan Mthethetha)، کشیش کلیسای مقدس «رستاخیز صبح»، که قصد داشت وی رودخانه «امونگا» را برود طعمه این سه تمساح شد. شاگردان مدرسه که از حمله تمساح‌ها به معلمشان به‌ت‌زده بودند درحالی‌که سر جایشان میخ‌کوب شده بودند صحنه حمله تمساح‌ها و خورده‌شدن استاد خود را تماشا کردند. این رودخانه که به «رودخانه تمساح» (Crocodile River) معروف است به رودی در استان پومالانکای آفریقای جنوبی می‌ریزد.

حوادث

انفجار در کوره ذوب آهن کارخانه فولاد

این انفجار باعث سوختگی ۷۰ تا ۱۰۰درصدی ۶ کارگر کارخانه فولاد بویراحمد شده است

رخداد ۱۵۱ کیلو حشیش در اتوبان تهران – قم

● **پلیس:** رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ، از دستگیری دو سوداگر مرگ در محدوده تهران – قم و کشف ۱۵۱ کیلوگرم حشیش خبر داد. سرهنگ محمد بخشنده گفت: در تحقیقات انجام‌شده از سوی مأموران پایگاه نهم پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ، مشخص شد دو نفر از قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر، قصد دارند مقادیری مواد مخدر را از جنوب کشور خریداری و با یک کامیون به تهران انتقال دهند. سرهنگ بخشنده عنوان کرد: نتیجه تحقیقات در اختیار مقام قضائی قرار گرفت که بر اساس آن، دستور بازداشت متهمان و بازرسی از خودرویشان صادر و تیم‌های عملیاتی این یگان وارد عملیات شدند. به گفته وی، محورهای مواصلاتی تحت نظر قرار گرفت و پس از چند ساعت گشت‌زنی خودروی متهمان شناسایی و در محدوده بزرگراه تهران – قم متوقف شد. سرهنگ بخشنده تصریح کرد: در این عملیات هر دو متهم بازداشت و در بازرسی از خودروی آنها، ۱۵۱ کیلوگرم حشیش که به طرز ماهرانه‌ای در کانستیر کامیون جاسازی شده بود، کشف شد. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ، در پایان گفت: هر دو متهم در بازجویی‌های انجام‌شده به جرائم خود اعتراف و پس از تکمیل پرونده، به دادسرا منتقل شدند.

دستگیری قاتل فراری در خنداب

● **ایرنا:** فرمانده انتظامی شهرستان خنداب در استان مرکزی گفت: یک قاتل فراری در این شهرستان دستگیر شد. سرگرد عبدالرضا جودکی افزود: ۲۵ اردیبهشت سال جاری، گزارشی از قتل زسی جوان و مجروح‌شدن دو نفر از اعضای این خانواده در روستای نصیرآباد این شهرستان، به پلیس گزارش شد. پس از اعزام مأموران به محل، مشاهده شد مرد خانواده بعد از قتل همسر جوان و زخمی‌کردن مادر و دختر ۱۲ساله‌اش، از محل متواری شده است. فرمانده انتظامی شهرستان خنداب ادامه داد: دستگیری و شناسایی قاتل به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت و در روند تکمیل تحقیقات پلیس، اعلام شد فردی با مشخصات قاتل در یکی از شهرهای استان خوزستان به علت اعتیاد دستگیر شده است. سرگرد جودکی عنوان کرد: با هماهنگی مقام قضائی، تیمی از مأموران انتظامی به شهر مدنظر اعزام شدند و فرد قاتل شناسایی شد. وی گفت: متهم در بازجویی‌های انجام‌شده، به قتل همسر و مجروح‌کردن مادر و فرزندش اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان خنداب افزود: در بررسی‌های مقدماتی پلیس، علت این قتل، اختلافات شدید خانوادگی و اعتیاد مرد خانواده اعلام شده و تحقیقات تکمیلی دراین‌باره ادامه دارد. شهرستان خنداب از توابع استان مرکزی و دارای حدود ۶۰ هزار نفر جمعیت است.

شورر معروف منطقه شمیرانات دستگیر شد

● **میزان:** ابوالحسنی، معاون دادستان تهران، گفت: شورر معروف منطقه شمال شهر که در یک کافی‌شاپ – رستوران دست به اعمال مجرمانه می‌زد، دستگیر شد. قاضی رضا ابوالحسنی، اظهار کرد: از چندی قبل متوجه فعالیت‌های فرد شروری به نام «ع. ت» در منطقه شمیرانات شدیم. با بررسی سوابق این فرد، مشخص شد وی دارای سوابق متعددی شامل قاچاق کالا، ارتشا و عریه‌دکشی است که از چندی قبل، اقدام به راه‌اندازی کافی‌شاپ – رستوران در منطقه تجریش کرده است. وی ادامه داد: محل فعالیت این متهم به مکانی برای حضور افراد خاص تبدیل شده بود که در ساعات پایانی شب در این محل تجمع می‌کردند. به گفته سرپرست دادسرای ناحیه یک، محل این فرد تخلفات متعددی داشته و از سوی اداره اماکن پلمب شده بود؛ اما این فرد با استفاده از اسلحه خود، در حضور مأموران اقدام به فک پلمب کرده و به اقدامات هنجارشکنانه خود ادامه می‌داده است. به گفته ابوالحسنی، در بررسی سوابق این فرد مشخص شد در سال ۹۴ و ۹۵، پس از ۱۵ بار پلمب‌شدن کافی‌شاپ خود، شخص متهم اقدام به شکستن پلمب می‌کرد. وی با اعلام اینکه در نهایت متهم با دستور قاطع دادستانی دستگیر و روانه زندان شد، افزود: دادستانی به برخورد با چنین افرادی ادامه می‌دهد.

جان‌باختن جوان بروجردی بر اثر سقوط از تپه چغا

● جوان بروجردی بر اثر سقوط از تپه چغا، جان خود را دست داد. رئیس اورژانس بروجردی گفت: شب یکشنبه یک جوان ۳۳ساله بروجردی، بر اثر سقوط از تپه چغا جان خود را از دست داد. مهدی زارعی اضافه کرد: بعد از اعزام فرد مجروح به بیمارستان و انجام معاینات اولیه، متأسفانه به دلیل جراحات زیاد فوت کرد. گفته شده این فرد که برای تفریح به تپه چغا رفته بود، هنگام گرفتن عکس خویش‌انداز (سلفی) از بالای چغا به پایین سقوط کرد و جان خود را دست داد.